

الحمد لله
الرحمن
الرحيم

هستی شناسی جنین و چالش های فقهی و اخلاقی اسقاط و قتل آن

برای نجات جان جنین های بی پناه

ویرایش ۲۸ آبان ۱۳۹۹





شناسنامه این اثر

این ارائه در حال ارتقا است

تنظیم علمی و طراحی: گروه فرهنگی - پژوهشی حرمت حیات (جمعی از پژوهشگران حوزوری و دانشگاهی شامل پژوهشگران حوزوی، پزشکان، حقوقدانان، فعالان فرهنگی و اجتماعی و دیگر دلسوزان حوزوی و دانشگاهی)

هرگونه استفاده از آن حتی بدون ذکر نام گروه یاد شده، مجاز است.

تنها رعایت کردن این شرط ضروری است:

در صورت مواجهه با چالش و سوال، موارد را به ما منتقل فرمایید تا مباحث، موجب اندک هم کثرفهمی نشود.



توضیحات ضروری

این پاورپوینت، در حال ارتقا است. با پیشنهادات و انتقادات خود و با رساندن محتواهای علمی، ما را در ارتقای آن کمک رسانید.

لطفا صوت های اساتیدی را که این محتواها را تدریس فرموده اند، دریافت و دنبال فرمایید تا نسبت به محتوای آن دچار سوء تفاهم یا فهم متفاوت از منظور نشوید.

بدون تسلط کافی، بحث را ارائه مفصل نفرمایید. این موضوع نیازمند دقت های فقهی و پزشکی کافی است و در صورت عدم دقت، مخاطب را دچار آسیب می نماید.

از دیگر اساتید نیز تقاضا می شود محتواهای خود را در همین قالب تنظیم و برای ما ارسال نمایند.

جهالت جهانی و فاجعه اسقاط و قتل جنین



فاجعه امروز

- یکی از پدیده‌های جهان مدرن، افزایش سقط جنین عمدی
- هر ساله در جهان حدود ۴۵ میلیون جنین کشته می‌شود.
- تعداد سقط عمدی (و غیرقانونی و غیرشرعی) جنین در ایران ۲۵۰ هزار تا ۸۰۰ هزار در سال
- فقط حدود ۱۲ هزار قتل آن در سال قانونی است.
- در هر روز حدود ۱۰۰۰ جنین یعنی در هر دو دقیقه و چند ثانیه یک جنین
- در تمام هشت ساله دفاع مقدس حدود ۲۳۰ هزار شهید داده شد که جامعه را تعالی و نور داد.
- حدود فقط ۶ درصد این جنین‌ها نامشروع است و بقیه، فرزندان مشروع هستند. (اسقاط فرزند مشروع و نامشروع هر دو حرام است)
- عوامل اصلی: بی‌جان‌پنداری جنین و دید منفی نسبت به تعداد فرزندان
- سهل‌انگاری و لاقیدی در بخش قانونی، موجب افزایش قتل‌های غیر مجاز می‌شود.

جایگاه انسان و اهمیت جان انسان ها



اهمیت جان انسان در قرآن کریم



«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ

ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ

وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» (سوره بقره آیه ۲۰۷)

ترجمه: و بعضی از مردم از جان خود در راه رضای خدا
درگذرند؛ و خدا با چنین بندگان رؤوف و مهربان است

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ
فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا
النَّاسَ جَمِيعًا» (سوره مائده آیه ۳۲)

(نه مذکرا نه رجلا و نه مومنا و نه مسلما نه موحدان بل نفسا)

ترجمه: هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین
بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته، و هر کس
انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم
را زنده کرده است.

هستی شناسی جنین در سنین مختلف و شدت حرمت اسقاط و قتل آن

آیا جنین، قبل از ولوج روح، انسان است؟



ارث می گذارد، دیه دارد، سلب حیات آن، قتل است



صحیحہ ابی عبیدہ

ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع

دیه: جنایت بر

انسان

اینکه قاتل ارث

نمی برد

ارث گذاشتن

فِي امْرَأَةٍ شَرِبَتْ دَوَاءً وَ هِيَ حَامِلٌ لَتَطْرَحَ وَلَدَهَا فَأُلْقَتْ وَلَدَهَا فَقَالَ إِنْ كَانَ عَظْمًا
قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ شَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دِيَّتَهُ تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قَالَ
وَ إِنْ كَانَ جَنِينًا عُلْقَهُ أَوْ مُضْغَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ غُرَّةً تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ
قُلْتُ فَهِيَ لَا تَرِثُ مِنْ وَلَدِهَا مِنْ دِيَّتِهِ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ.

امام باقر ع در باره زنی که آبستن است و دوايي می آشامد که فرزندش را بیاندازد و فرزندش را می اندازد فرمود: اگر استخوانی باشد که گوشت بر او روییده و گوش و چشم برای او ایجاد شده است باید دیه او را به پدرش تسلیم کند و اگر علقه یا مضغه بوده باشد باید چهل دینار یا برده ای به پدرش تسلیم نماید. گفتیم: آیا این زن از دیه فرزندش ارث نمی برد؟ فرمود: نه، زیرا او قاتل فرزندش است.

جنین، حتی قبل از ولوج روح انسان است و روح دارد



معتبره سعید بن مسیب

روایت سعید بن مسیب: قَالَ سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع... قَالَ:

«وَإِنْ طَرَحْتَهُ وَهُوَ نَسَمَةٌ مُخَلَّقَةٌ لَهُ عَظْمٌ وَ لَحْمٌ مُرْتَبُّ الْجَوَارِحِ قَدْ نُفِخَ فِيهِ رُوحُ الْعَقْلِ فَإِنَّ عَلَيْهِ دِيَّةً كَامِلَةً
قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ تَحَوُّلَهُ فِي بَطْنِهَا إِلَى حَالٍ أَوْ بِرُوحٍ كَانَ ذَلِكَ أَوْ بِغَيْرِ رُوحٍ قَالَ بِرُوحٍ عَدَا الْحَيَاةِ الْقَدِيمِ الْمُنْقُولِ
فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ وَ لَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ فِيهِ رُوحٌ عَدَا الْحَيَاةِ مَا تَحَوَّلَ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ فِي الرَّحِمِ وَ
مَا كَانَ إِذْنُ عَلِيٍّ مَنْ يَقْتُلَانِهِ دِيَّةٌ وَ هُوَ فِي تِلْكَ الْحَالِ»

ترجمه: از سعید بن مسیب از امام چهارم علیه السلام گفت پرسیدم مردی زن آبستنی را لگد زده و بچه انداخته و بچه مرده است؟ حضرت ع فرمود: اگر نطفه است بر او ۲۰ دینار است، گفتیم: حد نطفه چیست؟ فرمود: همانست که در رحم ۴۰ روز می ماند، فرمود: اگر علقه بیندازد ۴۰ دینار بر او است، گفتیم: حد علقه چیست؟ فرمود: تا ۸۰ روز پس از ورود نطفه، فرمود: و اگر مضغه بیندازد ۶۰ دینار بر او است، گفتیم: حد مضغه کدام است؟ فرمود تا ۱۲۰ روز، فرمود: و اگر بچه ای تمام آفرینش با استخوان و گوشت و اندام مرتب که جان گرفته باشد بیندازد بر او یکدیه تمام است. گفتیم: بمن بگو تحولش در شکم مادر از حالی بحالی بروح است یا بیروح؟ فرمود: به روح است روحی غیر از حیات قدیم که در اصلااب مردان و ارحام زنان بوده و نقل شده است، و اگر روحی نداشت جز زندگی انسانی در رحم حالی بحالی نمیشد، و بر قاتل او دیه ای نبود در این صورت.
(کافی ج ۷ ص ۳۴۷ ح ۱۵؛ تهذیب ج ۱۰ ص ۲۸۱ ح ۳)

آغاز انسان محسوب شدن، تشکیل نطفه است.



صحیحہ اسحاق بن عمار

وَرَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَحُسَيْنِ الرَّوَاسِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرَبُ الدَّوَاءَ فَتُلْقِي مَا فِي بَطْنِهَا فَقَالَ لَا فَقُلْتُ إِنَّمَا هُوَ نُطْفَةٌ قَالَ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُخْلَقُ نُطْفَةٌ

من لا يحضره الفقيه ؛ ج ٤ ؛ ص ١٧١

اسحاق بن عمار می گوید از امام کاظم (ع) درباره زنی که از ترس حاملگی دوا می نوشد و به خاطر آن دارو، آنچه در شکم دارد می افتد پرسیدم. فرمود جایز نیست. گفتم فقط نطفه ای بوده است. حضرت فرمودند اولین چیزی که آفریده می شود، نطفه است.

منزلت جنین حتی قبل از ولوج روح نزد خداوند

صحیفہ عبدالاعلیٰ

«تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَطْيَبُ شَيْءٍ أَفْوَاهًا وَ أَدْرُ شَيْءٍ أَخْلَافًا وَ أَفْتَحُ شَيْءٍ أَرْحَامًا أَمَا عَلِمْتُمْ أَنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ يَظَلُّ مُحْبِنُطًا عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ فَيَقُولُ لَا حَتَّى يَدْخُلَ أَبَوَايَ قَبْلِي فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ائْتِنِي بِأَبَوَيْهِ فَيَأْمُرُ بِهِمَا إِلَى الْجَنَّةِ فَيَقُولُ هَذَا بِفَضْلِ رَحْمَتِي لَكَ» (كافي ج ٥ ص ٣٣٦ ح ١؛ تهذيب ج ٧ ص ٤٠٠)

ح ٧؛ دعائم الاسلام ج ٢ ص ١٩٧ ح ٧٢١؛ التوحيد للصدوق، ص: ٣٩٦)

ترجمه: پیامبر خدا (ص) فرمودند: «... آیا نمی‌دانید که به راستی من در روز قیامت به کثرت جمعیت شما امت اسلام، بر سایر امت‌ها مباحثات می‌کنم حتی به سقطشدگان از شما؟ (زاد و ولد شما برکات فراوانی دارد از جمله:) چنین سقطشده شما در روز قیامت، با حالت غضب و ناراحتی و طلبکارانه بر در بهشت درنگ می‌کند؛ پس خداوند عزت‌مند و صاحب جلال به او می‌فرماید: داخل بهشت شو. می‌گوید: نه؛ مگر این که قبل از من، پدر و مادرم داخل بهشت شوند. خدای سبحان به ملکی از ملائکه اش می‌فرماید والدین او را بیاورید بعد خدای سبحان امر می‌فرماید که پدر و مادر او را وارد بهشت کند و می‌فرماید این به فضل رحمت من است بخاطر تو (ی چنین).

قتل فرزند و از جمله جنین در قرآن کریم



قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿الأنعام، ۱۵۱﴾

بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید!

وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً ﴿الإسراء، ۳۱﴾

و فرزندان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است!

آیا ماده ولد، برای جنین متولد نشده هم استفاده می شود؟

مقایس - ولد: أصل صحيح، و هو **دلیل النجل و النسل**، ثم يقاس عليه غيره. من ذلك الولد، و هو للواحد و الجميع، و يقال للواحد ولد أيضا. و الوليدة الأنثى، و الجمع ولائد. و **تولد** **الشيء عن الشيء: حصل عنه. مصباح - الوالد: يقال: شاء والد أي حامل** بينة الولاد، و منهم من يجعلها بمعنى الوضع، و كسرهما أشهر من فتحهما. و **استولدتها: أحبلتها**، و أمّا أولدتها بمعنى استولدتها فغير ثبت، و صرح بعضهم بمنعه. و **أولدت المرأة: حان ولادها**، كما يقال أحصد الزرع، فلا يكون الرباعي إلّا لازما. و ولدتها القابلة توليدا: تولّت ولادتها. و رجل مولد: عربى غير محض، و كلام مولد كذلك. و **يقال للصغير مولود، لقرب عهده من الولادة.** و المولد: الموضع و الوقت أيضا. و الميلاد: الوقت لا غير. **العين ٨/**

٧١- و شاء والد: حامل، و الجميع ولد. و جارية مولدة: ولدت بين العرب و نشأت مع أولادهم، و كذلك المولد من العبيد، و كلام مولد: مستحدث لم يكن من كلام العرب. و أمّا التليدة من الجوارى فهى التى تولد فى ملك قوم و عندهم أبواها.

دیدگاه علامه مصطفوی

أن الأصل الواحد فى المادّة: هو خروج شيء عن شيء و نتاجه بالتكوّن منه سواء كان فى حيوان أو غيره مادّيّا أو معنويّا. و من أظهر مصاديقه: ولادة الحيوان. يقال: ولد يلد لدة و ولادة و إلادة و مولدا، من باب وعد يعد عدة، فهو والد. و ولدت النبات لدة. و ولد الكلام أى حدث و تخرّج. و تولّد الحديث. و أمّة مولدة، و عبد مولد، أى مستحدث متخرّج من العرب.

برخی استعمال های واژه ولد



... فِي امْرَأَةٍ شَرِبْتَ دَوَاءً وَهِيَ حَامِلٌ لِّتَطْرَحَ وَلَدَهَا ...

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ :

(هرگز) نزاد، و زاده نشده. (الإخلاص، ۳)

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ

قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا تُضَارَّ وَالِدَهُ بِوَلَدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ قَالَ كَانَتْ الْمَرَأَةُ تَدْفَعُ إِحْدَاهُنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَرَادَ الْجِمَاعَ فَتَقُولُ لَا أَدْعُكَ إِنِّي أَخَافُ أَنْ أُحْبَلَ فَأَقْتُلَ وَلَدِي هَذَا الَّذِي (فِي بَطْنِي) وَ كَانَ الرَّجُلُ تَدْعُوهُ امْرَأَتُهُ فَيَقُولُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ أُجَامِعَكَ فَأَقْتُلَ وَلَدِي فَنَهَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ أَنْ يُضَارَّ الرَّجُلُ الْمَرَأَةُ وَ الْمَرَأَةُ الرَّجُلَ.

نتیجه گیری از این بخش

- جنین، قبل از ولوج روح مرتبه ای از وجود انسان است.
- جنین، بعد از ولوج روح، کاملاً انسان است.
- با انعقاد نطفه، وارد دالان وجود انسانی می شود.
- قبل از انعقاد نطفه، حیات داریم و بعد از آن، روح انسانی
- واژه قتل برای سلب حیات از جنین حتی قبل از ولوج روح صادق است.





بہانہ های منتهی به اسقاط و قتل جنین



بهبانهای منتهی به اسقاط و قتل جنین



- می خواهیم جلوی آمدن برنامه ریزی نشده بچه را بگیریم.
- ما به چه رسیدیم که این بچه برسد؟
- منابع زمین محدود است.
- انسان ها حق دارند معلول نبینند.
- اگر اسقاط را آسان نکنیم، خودشان اسقاط غیربهداشتی می کنند.

ترسیم اولیه تلقی های فکری – روانی موثر در اسقاط جنین



بررسی زمان ولوج روح

آیا در اسقاط و قتل جنین، می توان ۴ ماهگی را معیار گرفت؟



ولوج روح



- چرا این بحث لازم است دنبال شود؟
- دیدگاه های فقها درباره زمان ولوج روح
- چهار ماهگی و لزوم رعایت احتیاط
- معیارهای ولوج روح در آیات و روایات
- شواهد تجربی درباره امارات ولوج روح چه می گوید؟

جستجوی ولوج روح در قرآن کریم



فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (الحجر، ٢٩) (ص، ٧٢)

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (السجده، ٩)

ثُمَّ كَانَ عِلْقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (القيامة، ٣٨)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ، ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عِلْقَةً
فَخَلَقْنَا الْعِلْقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ
أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (المؤمنون، ١٢ تا ١٤)

امکان ولوج قبل از ۴ ماهگی – بخش اول



- در اقوال جمع کثیری از فقها از جمله شیخ انصاری (رحمهم الله)، حرکتهای اختیاری جنین، به عنوان اماره‌ای بر ولوج روح در نظر گرفته شده و امکان ولوج روح در دو ماهگی و کمتر مطرح شده. عبارت مرحوم شیخ چنین است: «و کأنه مبني على ما يظهر من النبوي المحكي أنه إذا بقي أربعة أشهر ينفخ فيه الروح و تشير اليه بعض الروايات في ديه الجنين الا أن المحكي عن الأطباء ولوج الروح قبل ذلك حتى أنه حكى عنهم أماكنهم لتمام شهرين ... بل يتحقق في شهر» (شیخ مرتضی انصاری، کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۳۱۸)
- برخی همچون مرحوم فاضل هندی، تجربه را مؤثر در اثبات ولوج روح دانسته اند: يجب على كل مسلم ... تغسيل الميت المسلم ... و إن كان سقطا له أربعة أشهر بشهادة التجربة بحياته، و نحو قول الصادق عليه السلام في خبر زرارة: السقط إذا تمّ له أربعة أشهر غسل (وسائل الشیعة: ج ۲ ص ۶۹۶ ب ۱۲ من أبواب غسل الميت ح ۴) (كشف اللثام و الإيهام عن قواعد الأحكام؛ ج ۲، ص: ۲۰۴)
- مرحوم حر عاملی، اختلاف در روایات از حیث زمان ولوج روح را حمل بر اختلاف بین جنین‌ها نموده‌اند: أقول: يُمْكِنُ حَمْلُ اخْتِلَافِ التَّقْدِيرَيْنِ عَلَى اخْتِلَافِ أَحْوَالِ الْأَجِنَّةِ (وسائل الشیعة، ج ۷، ص: ۱۴۲)

امکان ولوج قبل از ۴ ماهگی – بخش دوم



- مرحوم همدانی، امکان ولوج روح قبل چهارماهگی را وارد دانسته و در صورت استواء عرفی خلقت قبل از چهارماهگی، احتیاط در این خصوص را لازم دانسته‌اند: هذه الروایات- بحسب الظاهر- جاریه مجری الغالب، فیمكن تحقق الاستواء قبل إكمال الأربعة أو بعد انقضائها بأيام ... لكن مع ذلك كله لو فرض استواء خلخته عرفا قبل تمام الأربعة أشهر، لا ينبغي ترك الاحتیاط فيه. (مصباح الفقيه، ج ۵، ص: ۱۵۴)
- در روایتی از امام صادق (ع) نیز استواء خلقت (جسم و بدن)، ملاکی برای وجوب غسل و کفن دانسته شده است: زُرْعَهُ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّقَطِ إِذَا اسْتَوَتْ خَلْقَتُهُ- يَجِبُ عَلَيْهِ الْغُسْلُ وَاللَّحْدُ وَ الْكَفْنُ قَالَ نَعَمْ- كُلُّ ذَلِكَ يَجِبُ عَلَيْهِ إِذَا اسْتَوَى. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص: ۵۰۲)
- از سوی دیگر بنا بر گزارشات علم تجربی جنین‌شناسی و مشاهدات تجربی سونوگرافی، در هفته هشتم (کمتر از دو ماهگی) بعد از لقاح، استخوان‌های جنین تشکیل شده و بر روی آنها گوشت پوشانیده شده و جنین، انسانی مینیاتوری و کامل از اجزا و اندام است و دارای حرکات ارادی و اختیاری می‌باشد هرچند ضربه‌های وارد شده وی به دیواره رحم، آن قدر قدرت ندارد که قابل لمس باشد.

امکان ولوج قبل از ۴ ماهگی – بخش سوم



استفتا از حضرت آیت الله مکارم شیرازی

پرسش :

با توجه به اینکه حکم سقط بعد از ولوج روح و قبل از آن متفاوت می‌باشد،
لطفاً بفرمایید که ولوج روح چه زمانی است؟

پاسخ :

هنگامی است که بچه در شکم مادر به حرکت در می‌آید، که معمولاً در حدود
چهار ماهگی است. (makarem.ir – استفتا شماره 262509)

بعد از اینکه محضر شریف ایشان عرض شد که حرکت جنین در دو ماهگی هم قابل مشاهده از طریق
ابزارهای پزشکی است، فرمودند که هر زمان حرکت ارادی دیده شد، نشانه ولوج روح است.

در پزشکی، سن بارداری، از اولین روز آخرین قاعدگی در نظر گرفته می‌شود که دو هفته بیشتر از سن لقاح است. برای نمونه، سن جنین ۱۴ هفته و شش روز بارداری، به صورت ذیل به سن لقاح شرعی می‌شود: ۱۲ هفته و شش روز سن لقاح، ۹۰ روز خواهد بود که بر اساس ۲۹.۵ روز ماه قمری، ۳ ماه قمری و ۲ روز خواهد بود. اندازه گیری سن جنین، با خطاهای قابل توجهی روبروست. ذکر روز در تبدیل ها، حاکی از دقت محاسبات بر اساس روز نبوده بلکه فقط تبدیل ریاضیست.



جنین دو ماه قمری و نصف هفته (۹ هفته لقاح و ۱۱ هفته پزشکی)



جنین نزدیک به دو ماه قمری (۸ هفته لقاح و ۱۰ هفته پزشکی)



جنین کمتر از سه ماه قمری (۱۱ هفته لقاح و ۱۳ هفته پزشکی)



جنین نزدیک دو ماه قمری و ده روز (۱۰ هفته لقاح و ۱۲ هفته پزشکی)



جنین دو ماه قمری و حدود ۲۵ روز (۱۲ هفته لقاح و ۱۴ هفته پزشکی)



جنین دو ماه قمری و حدود ۲۵ روز (۱۲ هفته لقاح و ۱۴ هفته پزشکی)



دستان و پاهاى جنین دو ماه قمری و حدود ۲۵ روز
(۱۲ هفته لقاح و ۱۴ هفته پزشکی)



جنین سه و نیم ماه قمری (۱۵ هفته لقاح و ۱۷ هفته پزشکی)



جنین سه ماه قمری و چند روز (۱۳ هفته لقاح و ۱۵ هفته پزشکی)



جنین ۴ ماه قمری (۱۷ هفته لقاح و ۱۹ هفته پزشکی)



جنین ۴ ماه قمری (۱۷ هفته لقاح و ۱۹ هفته پزشکی)



جنین ۵ ماه قمری و یک هفته (۲۲ هفته لقاح و ۲۴ هفته پزشکی)



جنین ۴ ماه قمری و یک هفته (۱۸ هفته لقاح و ۲۰ هفته پزشکی)

بررسی فقهی و اخلاقی غربال گری جنین

غربال گری فعلی جنین چقدر درست و راهگشاست؟



غربال گری گسترده جنین



- ظلم به مادران
- ظلم به جامعه پزشکی
- ظلم به جنین های بی پناه
- آسیب های فرهنگی
- آسیب های اقتصادی و غیر قابل توجیه بودن
- عدم قطعیت، تشکیک در ولوج روح، تحقق حرج

حرج در غربال گری جنین



مبتلا به سندروم داون



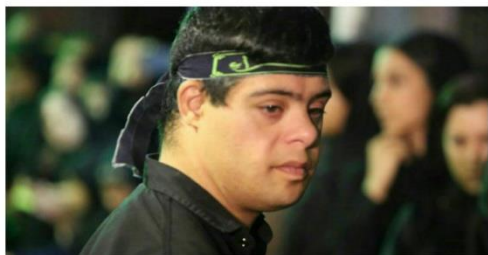
مبتلا به سندروم داون



مبتلا به درجه خفیف سندروم داون



مبتلا به درجه خفیف سندروم داون



مبتلا به درجه خفیف سندروم داون

- تعریف حرج
- اهمیت تناسب حرج
- حرج و امتنان
- لیست بیماری های فعلی
- شورای نگهبان و بیماری ها

متن قانون موسوم به سقط درمانی ۱۳۸۴

ماده واحده - سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز میباشد و مجازات و مسؤولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.



تحلیل ماده واحده سقط درمانی

اشکالات قانون

- چهار ماهگی مبنای صحیحی نیست.
- تشخیص قطعی ممکن نیست.
- لازم است امکان اعتبارسنجی نظر پزشک بعد از اسقاط و نیز اعتراض به دستور اسقاط وجود داشته باشد.
- تفاوت مراجع فقهی موجب تفاوت وظیفه نسبت به دیه می شود.
- تشخیص حرج شخصی، نیازمند هیئت منصفه است و تخصص پزشک، تشخیص حرج شخصی نیست.
- قانون باید بتواند جلوی روال سازی نادرست و سوء استفاده را بگیرد.
- مرد امکان اعتراض در صورت تبانی یا امکان برداشتن حرج را ندارد.
- قتل جنین به خاطر ناهنجاری، درمانی نیست.
- قانون، بکشور امکان برداشتن حرج ادعایی از مادر را با بیمه معلولیت و ... داراست.
- ه لزوم تناسب حرج با قتل اشاره نکرده و این موجب ساده نگری نسبت به حرج می شود.

چرا تصویب شورای نگهبان؟

- تصویری در شورای نگهبان نسبت به نتایج و مقاصد وجود نداشته
- روال سازی گسترده در متن قانون نبوده
- متن، به نحوی تنظیم شده که افراد را در اشتباه بیندازد. زیرا:

- ❖ معقول نبوده موارد مربوط به جان مادر با ناهنجاری جنین تلفیق شود.
- ❖ عنوان درمانی، به سلب حیات به خاطر ناهنجاری جنین تعلق نمی گیرد.
- ❖ قانون ناظر به ترخیص های موردی است اما بلافاصله روال سازی می شود. اگر روال سازی مورد نظر بوده، باید متفاوت در قانون طرح می شده.



اشکالات علاوه بر اشکال قانون

تخلف ها خارج از روندها

- دست کاری ماه بارداری
- اسقاط غیرقانونی بعد از مرحله اول
- اسقاط غیرقانونی بعد از مرحله دوم

در روندها

- ارزیابی حرج نسبت به آینده، واقعی نیست الزاما
- حرج نوعی نیست.
- اجبار کردن عملی
- ۱۹ هفته گرفتن از اولین روز آخرین قاعدگی

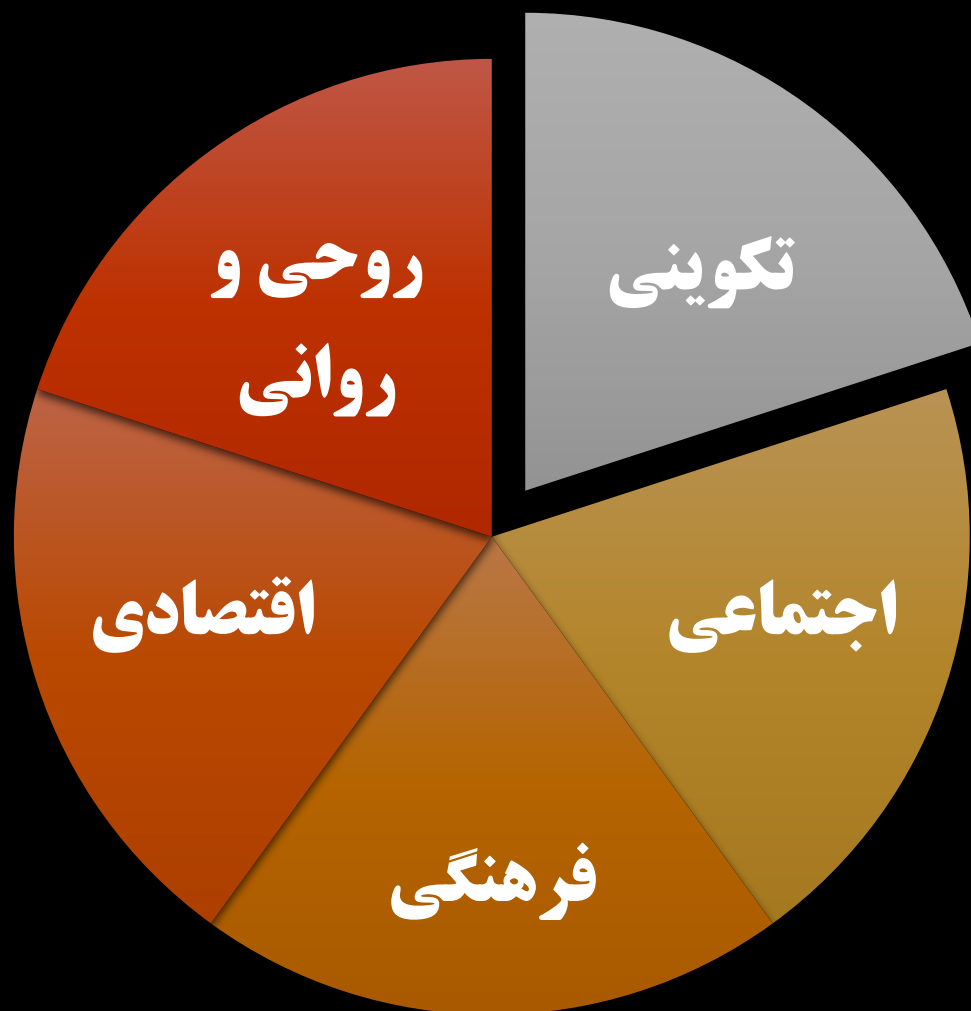


مجازات ها

مجازات های قتل جنین قبل و بعد ولوج



جنبه های اثرگذاری اسقاط و قتل جنین



علاوه بر ضد اخلاقی
بودن آن

فهرست مجازات ها و تفکیک قبل و بعد ولوج



- ناپسندی اخلاقی

- تضییع حق حیات موجود دیگر

- اثرات تکوینی

- عذاب اخروی

- دیه

- کفاره

- تعزیر و قصاص

مبلغ ديه و پرداخت کنندگان و دریافت کنندگان



- مثقال شرعی سه چهارم مثقال بازاری است.
- ديه به ورثه جنين پرداخت می شود.
- پرداخت کننده اصلی، مباشران قتل و مشارکت کنندگان هستند.
- مباشرت کننده یا مشارکت کننده از ديه جنين محروم است.

وضعیت جنین	ديه به مثقال شرعی طلا	ديه به مثقال شرعی نقره
نطفه	۲۰ مثقال	۲۰۰ مثقال
علقه (به صورت رویانی، رگ‌هایی به صورت جزایر خونی، لخته‌ای شکل)	۴۰ مثقال	۴۰۰ مثقال
مضغه (توده سلولی به شکل گوشت له شده)	۶۰ مثقال	۶۰۰ مثقال
تمایز پیدا کردن استخوان (قبل از کشیده شدن گوشت بر روی استخوان ها)	۸۰ مثقال	۸۰۰ مثقال
جنین کامل قبل از حلول روح	۱۰۰ مثقال (۴۰۰ میلیون تومان)	۱۰۰۰ مثقال
چهارماهگی (ديه کامل انسان)	پسر ۱۰۰۰ مثقال (۴ میلیارد تومان)	۱۰۰۰۰ مثقال
	دختر ۵۰۰ مثقال	۵۰۰۰ مثقال



مشارکت و معاونت در اسقاط و قتل جنین

بررسی این بخش برای کسانی که به طور مستقیم در اسقاط و قتل جنین
نقشی ندارند ولی می توانند با بیان یا عمل خود، به کاهش آن کمک نمایند،
ضروری است.

زشتی قتل (برای موارد بعد از ولوج)



عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الْكِبَائِرِ فَقَالَ هُنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ ع **سَبْعُ الْكُفْرِ بِاللَّهِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ (لشگر و میدان نبرد) وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ** (الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٢؛ ص ٢٧٨)

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ **الْكِبَائِرُ سَبْعُ قَتْلِ الْمُؤْمِنِ مُتَعَمِّدًا وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ كُلُّ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ.** (الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٢؛ ص ٢٧٧)

الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْكِبَائِرُ سَبْعُهُ مِنْهَا **قَتْلُ النَّفْسِ مُتَعَمِّدًا وَ الشَّرْكُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا قَالَ وَ التَّعَرُّبُ وَ الشَّرْكُ وَ أَحَدُ.** (الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٢؛ ص ٢٨١)

روایات مربوط به یاری ستمگر و یاری مظلوم



و رَوَى ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَعَانَ عَلَى مُؤْمِنٍ بِشَطْرٍ (نصف) كَلِمَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ
مَكْتُوبٌ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

من لا يحضره الفقيه ؛ ج ٤ ؛ ص ٩٤

و بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ نَكَتَ بَيْعَهُ أَوْ رَفَعَ لَوَاءً ضَلَّالَهُ أَوْ كَتَمَ عِلْمًا أَوْ اعْتَقَلَ مَالًا ظُلْمًا أَوْ أَعَانَ
ظَالِمًا عَلَى ظُلْمِهِ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ ظَالِمٌ فَقَدْ بَرِيَ مِنَ الْإِسْلَامِ

(بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ٧٢ ؛ ص ٣٧٩)

عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ: يُسْأَلُ الْمَرْءُ عَنْ جَاهِهِ كَمَا يُسْأَلُ عَنْ مَالِهِ يَقُولُ جَعَلْتُ لَكَ جَاهًا فَهَلْ
نَصَرْتَ بِهِ مَظْلُومًا أَوْ قَمَعْتَ بِهِ ظَالِمًا أَوْ أَغْتَتَ بِهِ مَكْرُوبًا

(مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ؛ ج ١٢ ؛ ص ٤٢٩)

روایات مربوط به یاری ستمگر و یاری مظلوم



قال الرضا ع: ... مَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ بِالْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَرِيكَ الْقَاتِلِ.

(عیون أخبار الرضا علیه السلام ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۷۳)

أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ أَعَانَ ظَالِمًا عَلَى مَظْلُومٍ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَلَيْهِ سَاحِطًا حَتَّى يَنْزِعَ مِنْهُ مَعُونَتَهُ.

(ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: ۲۷۴)

عیون أخبار الرضا علیه السلام جَعْفَرُ بْنُ نُعَيْمٍ الشَّاذَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا ع يَقُولُ مَنْ أَحَبَّ عَاصِيًا فَهُوَ عَاصٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُطِيعًا فَهُوَ مُطِيعٌ وَ مَنْ أَعَانَ ظَالِمًا فَهُوَ ظَالِمٌ وَ مَنْ خَذَلَ عَادِلًا فَهُوَ خَاضِلٌ إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ وَ لَا بَيْنَالِ أَحَدٍ وَ لَإِيَّ اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَ لَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِبَنِي عِيدِ الْمَطْلَبِ اتُّوْنِي بِأَعْمَالِكُمْ لَا بِأَنْسَابِكُمْ وَ أَحْسَابِكُمْ قَالَ اللَّهُ

(بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ۷ ؛ ص ۲۴۱)

گناه قتل برای دیگران



عن محمد بن الأرقط عن أبي عبد الله ع

قال لي تنزل الكوفة قلت: نعم- قال: فترون قتله الحسين ع بين أظهركم قال: قلت جعلت فداك ما رأيت منهم أحدا- قال: فإذا أنت لا ترى القاتل إلا من قتل أو من ولي القتل، أ لم تسمع إلى قول الله

«قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ- فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

فأى رسول قبل الذى كان محمد ص بين أظهرهم، و لم يكن بينه و بين عيسى رسول، إنما رضوا قتل أولئك فسموا قاتلين.

(تفسير العياشى؛ ج ١؛ ص ٢٠٩)

راهکارهای قدم برداشتن برای نجات جان جنین ها

- دیدگاه های نادرست درباره فرزند را اصلاح کنیم.
- حرمت آن را درک و برای جامعه تبیین کنیم.
- به خانواده های ضعیف در سرپرستی کمک کنیم.
- برای اصلاح روندهای تسهیل کننده قتل جنین، مطالبه کنیم.
- غیرعقلانی بودن بهانه های قتل جنین را برای جامعه توضیح دهیم.
- با تبیین جایگاه الهی انسان، نگاه به معلولین را اصلاح کنیم.



برای نجات جان جنین ها قدمی برداریم.



از توجه شما سپاسگزاریم.



با مشارکت معاونت محترم تبلیغ، جامعه الزهراء س، حوزه های علمیه خواران، پژوهشکده وقف و امور خیریه، مجمع فعالان جمعیت و دیگر مجموعه های مردمی
ارتباط، مشارکت و ارائه پیشنهادات و انتقادات: ۹۱۰۵۶۷۱۷۶.

پایان